

پیشگامان و خطبات دینی  
سالگرد  
دکتر فریدون آدمیت

● نخستین سالگرد خاموشی فریدون آدمیت / با مقالاتی از:  
محمود دولت آبادی - جواد مجابی - عبدالله انوار و محمد علی سپانلو

# آدمیت شبیه کسی نبود

شهاب دهباشی

گزارش مراسم سالگرد درگذشت دکتر فریدون آدمیت

(جمعه ۱۴ فروردین ۱۳۸۸)

۳۴۹

مراسم یادبود نخستین سالگرد خاموشی پدر تاریخ‌نگاری مدرن ایران، دکتر فریدون آدمیت عصر روز جمعه چهاردهم فروردین ماه در منزلش که سه دهه پایان عمرش را در آنجا گذراند برگزار شد. در این مراسم مریم بیات، حسن کامشاد، جواد مجابی، محمود دولت‌آبادی، ناصر خادم‌آدم، سید عبدالله انوار، ترانه مسکوب، فرزانه قوجلو، مهدی شفقتی، شهلا لاهیجی، اشک آدمیت، محمد علی سپانلو و گروهی از نویسندگان، دانشجویان تاریخ و فلسفه دانشگاه تهران و سردبیران نشریات ادبی و دوستانشان حضور داشتند.

مراسم یادبود دکتر آدمیت در ساعت سه بعدازظهر آغاز شد و در ساعت هفت بعدازظهر به پایان رسید. آغازگر این مراسم علی دهباشی بود که در دوران سردبیری مجله کلاک به مناسبت هفتادمین سال تولد دکتر آدمیت جشن‌نامه‌ای منتشر کرد و در چهلمین روز درگذشت‌اش یک شماره از مجله بخارا را به تجلیل از وی اختصاص داد. سردبیر مجله بخارا در آغاز از طرف خانم شهین دخت، همسر دکتر آدمیت، خیرمقدم گفت و بعد به بیان نکاتی از زندگی وی پرداخت: «آدمیت شبیه کسی نبود. خلیقات و سلوک ویژه خودش را داشت. واقعاً شبیه او را ندیدم. انسانی بود که واقعاً "آدمیت" برازنده‌اش بود. اکنون پس از گذشت یک سال تازه جامعه فرهنگی ما بیدار



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

● فریدون آدمیت، دوران سفارت هلند

شده است و به تدریج درک می‌کند چه گوهر گرانبهایی را از دست داده‌ایم. اهل "وضعیات" نبود. منزه‌طلبی به مفهوم بسیار مثبت و انسانی در او جمع بود. در کار تاریخ‌نگاری به بیشترین هم قانع نبود. همچون نقاش مینیاتورست کلمه به کلمه کار می‌کرد. وی ادامه داد: «هر چند ادیب نبود اما بیشتر از هر استاد ادبیاتی به نثر فارسی درخشان می‌نوشت. احتمالاً هر کدام از شما حضار شرکت‌کننده در این جلسه چندین بار کتاب‌ها و مقالات او را خوانده‌اید. نسبت به جریانات روشنفکری منتقد اول بود. به علت همین اعتقادات صریح و روشنش بود که او را در محاق قرار دادند. "دفاع از منافع ملی" شعاری بود که او همواره بدان عمل می‌کرد. بارها در زمان عضویتش در هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل و دوران سفارتش در هلند به مواردی برمی‌خوریم که شجاعانه در مقابل کسانی که قصد تضییع حقوق ملت ایران را داشتند، برمی‌خیزد. و آن هم زمانی که او دلِ خوشی از حکومت نداشت.»

دهباشی در بخشی دیگر از صحبت‌هایش گفت: «در عرصه تاریخ‌نگاری شاید سال‌ها بگذرد که ما آدمیتی دیگر بیابیم. توجه کنید به یک نمونه از آثار او اشاره می‌کنم و در می‌گذرم. ۶۲ سال از تألیف کتاب امیرکبیر و ایران می‌گذرد. هنوز محققان ما نتوانسته‌اند کتابی همسنگ این کتاب تألیف کنند. کتاب امیرکبیر و ایران هنوز یگانه است و تنها متن معتبر ما در مورد زندگی سیاسی امیرکبیر است. و در دیگر موارد هم آدمیت این‌گونه کار می‌کرد. خلاصه اینکه دکتر آدمیت قدر خود را می‌دانست و به خوبی به جایگاه رفیعش در عرصه تاریخ‌نگاری آگاه بود و به همین مناسبت در مقابل نوشته‌های بی‌پایه و سستی که از روی غرض به او حمله می‌کردند به من می‌گفت: جواب به مردم نادان عین نادانی است.»

دهباشی در ادامه به آخرین سال‌ها و روزهای دکتر آدمیت اشاره کرد: «دکتر آدمیت در سه بعد از ظهر شنبه، دهم فروردین ماه ۱۳۸۷، در بخش آی سی یو بیمارستان تهران کلینیک درگذشت. فردایش به اتفاق همسرش او را در قطعه ۷۶ بهشت زهرا به خاک سپردیم. در پانزدهم فروردین سال گذشته در همین خانه و همین سالن که شما دوستان اران آدمیت گرد آمده‌اید مجلسی در تجلیل از او فراهم آوردیم و بعد ویژه‌نامه بخارا را منتشر کردیم. اینک در سالگرد خاموشی او می‌خواهیم یاد و خاطره‌اش را با بیان نکاتی از سلوک و رفتار و روش تاریخ‌نگاری و اهمیت جایگاهش بیان کنیم.»

دهباشی ادامه داد: «بنابراین ما در این مکان فرصت بررسی همه‌جانبه آثار او را نداریم. مجلس یادبود و گرمی داشت یاد و خاطره اوست. بنده به سرعت نگاهی کوتاه به زندگی ایشان می‌کنم و چند نکته از ویژگی‌های زندگی‌اش را برای شما یادآوری می‌کنم.



● صحنه‌ای از مراسم سالگرد دکتر فریدون آدمیت

اگرچه ممکن است این حرف‌های مرا قبلاً خوانده یا شنیده باشید. قصد یادآوری فضایل انسانی و علمی دکتر آدمیت است. فریدون آدمیت متولد ۱۲۹۹ در تهران است. به روال زمانه به مدرسه رفت. محصل دارالفنون بود و کلاس پنجم را در خرداد ۱۳۱۸ به انجام رساند، و سه ماه بعد هم از عهده امتحان نهایی مدرسه متوسطه برآمد (شهریور ۱۳۱۸). در آن زمان بسیار نادر بود که در دوره دوم متوسطه محصلی بتواند به اصطلاح یک ساله دو کلاس برود، مگر حقیقتاً درخشان باشد.»

دهباشی در ادامه افزود: «از قضا، دو ماه پیش از امتحان نهایی متوسطه، پدرش درگذشت. چه بسا ممکن بود از خیال امتحانات نهایی منصرف گردد، اما به ترغیب ابراهیم حکیم‌الملک، دوست دیرین پدرش، کارش را دنبال کرد و از پیش برد. آن کامیابی برای هر محصلی در آن سن و سال طبعاً دلگرم‌کننده بود. بهترین استادش در دارالفنون دانشمند گرانقدر جلال همایی بود که از آموزش عالی او مایه اندوخت. از دبیرستان به دانشکده حقوق و علوم سیاسی رفت، پس از سه سال فارغ‌التحصیل شد (خرداد ۱۳۲۱). پایان‌نامه دانشگاهی‌اش را درباره زندگی سیاسی میرزا تقی خان امیرکبیر نوشت که دو سال بعد، به صورت همین اثری که امروز در پیش دارید، با مقدمه استاد فرزانه‌اش محمود محمود، گسترش و انتشار یافت (۱۳۲۳).»

علی دهباشی ادامه داد: «برادرش تهمورث هم او را کمک فراوان نمود. هنوز دانشجوی دانشکده حقوق بود که به خدمت وزارت امور خارجه درآمد (فروردین ۱۳۱۹). از آن پس هم کار می‌کرد و هم درس می‌خواند. و هدف او تکمیل تحصیلات دانشگاهی در اروپا یا آمریکا بود؛ این فرصت را خدمت رسمی وزارت امور خارجه برایش فراهم می‌آورد. و حکیم‌الملک هم، که همیشه به تحصیلات عالی دانشگاهی او علاقه خاص داشت، مشوق او بود. نخستین مأموریتش، بنا به رسم اداری، دبیری ساده در سفارت ایران در لندن بود (دی ۱۳۲۳). پس از بازگشت از سازمان ملل متحد به سمت مدیرکل سیاسی با مقام سفیرکبیری منصوب گردید (مهرماه ۱۳۳۹)؛ یک سالی نگذشت که به سفارت کبری ایران در لاهه تعیین شد (شهریور ۱۳۴۰)؛ و به دنبال آن به سمت سفیرکبیری به دهلی نو رفت (فروردین ۱۳۴۲). در بازگشت از هند به عنوان مشاور عالی سیاسی برگزیده شد (تیرماه ۱۳۴۴). در این مقام بود که دفتر خدمت رسمی را یکباره بست؛ یکسره به خدمت نشر فکر و درس عقل برآمد.»

دهباشی در ادامه سخن افزود: «از پلشتی‌های اخلاقی به دور بود. از دروغ، ریاکاری و نیرنگ رنج می‌برد. در ماجرای نوشتند که او "ماسون" بوده است. می‌گفت واقعاً چگونه مردمانی هستند که این‌گونه اتهام می‌زنند. من که یک عمر با سیاستگزاران خارجی و در رأس آنها دولت انگلستان مبارزه کردم چگونه می‌توانم در حلقه "ماسونی" قرار گیرم. در بدترین شرایط، زندگی در ایران را رها نکرد و علی‌رغم شرایط و پیشنهادها تا پایان عمر در ایران باقی ماند.»

سر دبیر مجله بخارا در بخشی دیگر از سخنان خود افزود: «همه چیز در زندگی دکتر آدمیت زود آغاز شد. با یک نگاه تند و گذرا درمی‌یابیم که فریدون آدمیت در شرایط خاص تاریخی و خانوادگی قرار گرفت که او را به سرعت در جریان فکری و اجتماعی زمانه خود قرار داد. محیط خانوادگی که از همان آغاز محل رفت و آمد رجال سیاسی و اجتماعی بود، اثر خود را بر روح و روان اعضاء خانواده باقی گذاشت. آدمیت در خانه‌ای متولد شد که صدای مشروطیت در آن شنیده می‌شد. و او در کودکی بارها از پدرش در جمع حلقه یارانی که در خانه آنها اجتماع می‌کردند شنیده بود که "کشتن امیرکبیر بزرگ‌ترین خیانت سلسله قجر به خلق ایران بوده است." آدمیت در سال‌های پایانی عمر کم نوشت. اگرچه او نویسنده پُر نویسی نبود، گزیده‌نویس و کم‌گو بود.»

علی دهباشی ادامه داد: «اولین متنی که به صورت مستقل از آدمیت در سال‌های پس از انقلاب منتشر شد رساله آشفتنگی در فکر تاریخی بود. آدمیت تا پایان عمر در فاصله



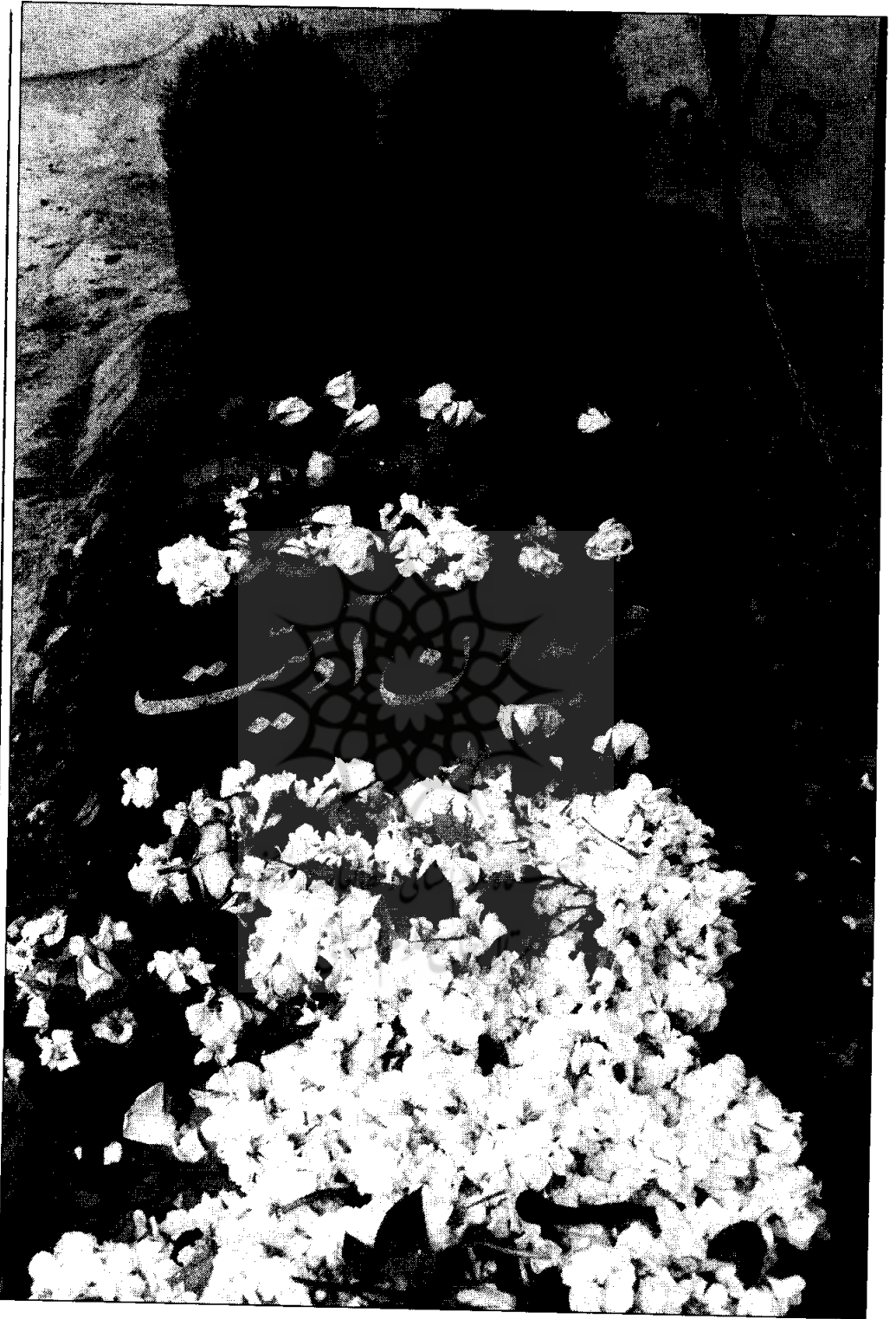
● بانو شهیندخت آدمیت همسر دکتر فریدون آدمیت

سال‌های بعد از انقلاب به‌ویژه از سال ۶۰ به بعد کتاب‌های: شورش بر امتیازنامه رژی، مجلس اول و بحران آزادی که در واقع جلد دوم ایدئولوژی نهضت مشروطیت بود و کتاب تاریخ فکر از سومر تا یونان و روم و تجدید چاپ مقالات تاریخی را منتشر کرد. رساله آشفته‌گی در فکر تاریخی، که عده‌ای بر این باورند که بعد از کتاب امیرکبیر و ایران پرخواننده‌ترین اثر اوست. بنده با احتساب تیراژ چاپ‌های متعدد امیرکبیر و ایران و گسترش چاپ‌های زیراکسی و ایسترتنی، رساله آشفته‌گی در فکر تاریخی را پرخواننده‌ترین نوشته آدمیت ارزیابی می‌کنم.»

سر دبیر مجله بخارا افزود: «یکی از دلایل خوانده شدن وسیع این رساله موضوع رساله است که به مباحث مطرح سال‌های پس از انقلاب می‌پردازد. موضوع کتاب نقد آرا و عقاید سه نفر از مؤثرین در اندیشه انقلابی قبل و بعد از انقلاب است: جلال آل‌احمد، احمد فردید و مهدی بازرگان. آدمیت نظریات این سه تن را درباره مشروطیت و مسائل اجتماعی و سیاسی دوران معاصر نموداری از "آشفته‌گی در فکر تاریخی" می‌دانست. در این رساله آدمیت جای جای اندیشه‌های سیاسی این سه تن را مستمسک قرار می‌دهد تا نظریات خودش را نسبت به تحولات بعد از انقلاب مطرح کند.»

دهباشی در ادامه گفت: «در بخشی دیگر از این رساله برای اولین بار داوری تاریخی

۲۵۵





خود را نسبت به دکتر مصدق چنین بیان می‌کند: "اعتبار شخصیت سیاسی دکتر مصدق در دفاع از حقوق اساسی و نظام مشروطیت است، در تقابل با حکومت فردی و قدرت نامحدود سلطنت، در پیکار برای استقلال سیاسی و اقتصادی مملکت و مبارزه علیه سلطه سیاسی و اقتصادی بیگانگان. او فسادناپذیر بود، شیاد و افسونگر و بی‌همه چیز نبود. موضع‌گیری سیاسی‌اش آنگاه که در اپوزیسیون بود و آنگاه که در قدرت سیاسی مسئول بود، تغییر نیافت. این نیست که بر او یا کارنامه جبهه ملی انتقاد وارد نباشد، این خلاف نقد و سنجش تاریخی است. اما این هست که او نسبت به اصولی که یک عمر اعلام می‌کرد: دفاع از آزادی، دفاع از حقوق اساسی، دفاع از استقلال سیاسی و اقتصادی، یک عمر وفادار ماند. به همین سبب، او در معنی، از لغزشگاه قدرت سقوط نکرد، اعتبارش را در اراده‌عام از دست نداد."

پس از سخنان سردبیر مجله بخارا، سید عبدالله انوار با ذکر خاطراتی از دکتر آدمیت و مراجعه ایشان به کتابخانه ملی چنین عنوان کرد:

«اینجانب که نسخ مورد لحاظ مرحوم آدمیت را واری می‌کردم، می‌دیدم مرحوم آدمیت با نسخی مشغول است که صحبت از استبداد مستمر شرقی می‌کنند که بر ایران حاکم بوده و در استمرار خود لحظه‌ای درنگ نداشته و ندارد و این هم واضح است، چه انسالخ ذاتی از ذات مساوق یا فنای ذاتست؛ لذا گاهی به وقت ارائه نسخه‌ای به ایشان تک مضرابی از ناهنجاری‌های ظلم روز می‌زدم، ولی چون ایشان سفیر دولت شده بودند و چنان که گذشت به بیداد حاکمه و عمل پلیس و پلیس‌های شنود به خوبی آشنایی کامل داشتند، پیش خود می‌انگاشتند: "ای بسا ابلیس آدم‌رو که هست / پس به هر دستی نباید داد دست"، به این تک مضراب‌ها اعتنایی نمی‌کردند. تا آنکه روزی درباره میرزا آقاخان نوری، صدراعظم ناصرالدین شاه سخن رفت. ایشان گفتند درین صد و پنجاه ساله اخیر سه خائن در صحنه قدرت ایران ظاهر شده‌اند یکی میرزا آقاخان نوری، قاتل حقیقی میرزا تقی خان امیرکبیر صدراعظم و دیگری وثوق‌الدوله، عاقد قرارداد ۱۹۱۹ میلادی و سومی سپهبد زاهدی، عامل کودتای ۲۸ مرداد و عاقد قرارداد با کنسرسیوم نفت است.»

سید عبدالله انوار ادامه داد: «من که این سخن را از ایشان شنیدم در وهله نخست دریافتم که او مرا دیگر نامحرم نمی‌داند و تک مضراب‌هایم را نعل وارونه شنودهای ساواک نمی‌انگارد بلکه مرا همدل خود در رنج بردن ازین ناهنجاری‌های روز می‌شمارد و در مرحله دوم فهمیدم که می‌توانم از او مطالبی چند از تناقضاتی که در مشروطیت و



● استاد سید عبدالله انوار از خاطرات خود با آدمیت گفت (عکس از شهروز هزارنژاد)

رژیم آزادی دامنگیر ایران شده، استفسار کنم و بپرسم که چه چیز سبب شده تا رایحه پاک آزادی، که امروز مشام کشورهای مستعمره افریقایی را معطر کرده، در این کشور باستانی تا حال که به حدود شصت سال از تکوین قوانین اساسی ایران می‌گذرد که ملامت از نکات آزادی است نسیمی از آن به مشام ایرانی نرسیده بلکه هر روز که می‌گذرد دست پلیس گشاده‌تر و در به زیر زنجیر کشیدن آزادگان و وطن‌خواهان بیشتر می‌شود. و در وهله سوم از او استفتاء کنم آیا رافع این بدبختی‌های ناشی از مال‌اندوزی‌ها و جاه و جلال‌طلبی‌های بی‌حد و مرز و مؤسس این ناهنجاری‌ها آن نیست که تغییر در مفاهیم ارزش اخلاقی دهیم و ارزش نوی را به جای این ارزش‌ها جانشین آن کنیم و به این خواستاران ارزش‌های موقت و مستعجل بگوییم روی از آنها برتایید و توجه به ارزش‌های باقی و اخروی کنید که حاصل آن دولت باقی است.»

سخنران بعدی این مراسم محمود دولت‌آبادی بود که با وجود حضور در مجلس به علت بیماری متن خود را به جواد مجابی سپرد و او نیز قبل از خواندن متن سخنرانی در گفتاری از دکتر آدمیت یاد کرد.

پس از آن دکتر مجابی متن سخنرانی محمود دولت‌آبادی را با عنوان «آدمیت و یک پرنده کوچک» برای حاضرین خواند.

سپس محمد علی سپانلو به عنوان آخرین سخنران مطالب خود را با عنوان «آخرین پیام آدمیت: امید» ارائه کرد.  
در پایان بانو شهین دخت آدمیت همسر دکتر آدمیت از همه به خاطر حضور در این مراسم یادبود سپاسگزاری کرد.

۲۵۸



شهره‌پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منتشر شد :

مقالات فروعی

(جلد اول و دوم)

بکوشش: محسن باقرزاده

انتشارات توس - تهران - خیابان انقلاب - اول خیابان دانشگاه - پلاک ۱

تلفن ۶۶۴۶۱۰۰۷